

فرهنگ نشر نو

طرحی نو در فرهنگ‌های دو زبانه

علی خزاعی فر

۱- مقدمه

چندی پیش، در امتحان یک درس انگلیسی که در آن دانشجویان مجاز بودند از فرهنگ انگلیسی به فارسی استفاده کنند، دیدم دانشجویان ۸ فرهنگ متفاوت انگلیسی به فارسی به جلسه آورده‌اند. در نقدی که بر فرهنگ معاصر تألیف دکتر باطنی نونستم (مترجم شماره ۱۷)، گفتم که این فرهنگ سرآغاز عصری جدید در تألیف فرهنگ‌های دو زبانه در ایران است. بی‌تردید آنچه به کار فرهنگ‌نویسی انگیزه و شتاب می‌دهد، نیاز جامعه رو به رشد دانشگاهی کشور است و بدیهی است در میان فرهنگ‌هایی که تولید می‌شود، فرهنگ‌های تکراری، فرهنگ‌های بازاری، فرهنگ‌های ضعیف نیز دیده می‌شود. از جمله فرهنگ‌های دو زبانه که اخیراً به بازار آمده، فرهنگ نشر نو (فرهنگ فشرده انگلیسی - انگلیسی - فارسی) تألیف آقای محمدرضا جعفری است. این فرهنگ که کاری است نو و ماندنی، نقطه عطفی در تدوین فرهنگ‌های دو زبانه در ایران به حساب می‌آید. این فرهنگ در واقع از دو جهت اهمیت دارد. یکی از جهت طرح ابتکاری آن، دیگری از جهت دقت و تنوع معادلهای پیشنهادی. در این نقد به اختصار به بررسی این دو جنبه از فرهنگ نشر نو می‌پردازیم.

۲- طرح فرهنگ

فرهنگ نشر نو از یک جهت با فرهنگ‌های دو زبانه متعارف متفاوت است و آن اینکه در این فرهنگ علاوه بر معادلهای کلمات، توضیح معانی کلمات - برگرفته از فرهنگ‌های یک زبانه انگلیسی - نیز آمده است. به عبارت دیگر، فرهنگ نشر نو متشکل از دو فرهنگ است: یکی فرهنگ تک‌زبانه انگلیسی دیگری فرهنگ دوزبانه انگلیسی - فارسی. فرهنگی با چنین طرحی در ایران سابقه نداشته است، اما اخیراً پروفیسور جان سینکلر، ویراستار ارشد مؤسسه کویلند، فرهنگ دوزبانه مشابهی طراحی کرده است که آن را فرهنگ bridge می‌نامند. فرهنگ bridge که برای بسیاری از زبانهای اروپایی و غیراروپایی تألیف شده یا در دست تألیف است، اساساً برای استفاده دانشجویان زبانهای خارجی طراحی شده است. موناویکر و رابرت کاپلان (۱۹۹۴) در مورد ضرورت تألیف این نوع فرهنگ دوزبانه چنین استدلال می‌کنند که دانشجویان در مراحل اولیه آموزش زبان به دلیل محدود بودن واژگان خود به ناچار از فرهنگ‌های دوزبانه استفاده می‌کنند و در مراحل پیشرفته به دلیل اینکه فرهنگ‌های دوزبانه دیگر نمی‌تواند جوابگوی پرسش‌های پیچیده آنها باشد به فرهنگ‌های تک‌زبانه

رومی آورند. و از آنجا که انتقال از فرهنگ دوزبانه به فرهنگ تک‌زبانه یک شبه تحقق نمی‌پذیرد، نیاز به فرهنگی دو بُعدی احساس می‌شود که به مثابه پلی این دو مرحله را به یکدیگر مرتبط کند. این نکته را محمدرضا جعفری نیز در مقدمه فرهنگ نشر نو ذکر کرده است:

در نخستین مراحل فراگیری زبان، یکی از ابزارهای اصلی، فرهنگ دوزبانه است که واژه‌های زبانی را که بر آن مسلط هستیم با واژه‌های مربوط در زبانی که به فراگیری آن پرداخته‌ایم مرتبط می‌سازد... با افزایش توانایی و تسلط‌مان به جایی می‌رسیم که دیگر فرهنگ دوزبانه جوابگوی نیازهای ما نیست و ما را از ابراز آزادانه خواسته‌ایمان به زبان بیگانه‌ای که مشغول فراگیری و تسلط بر آن هستیم باز می‌دارد و اطلاعات کافی و وافی درباره معانی و ساختارهای دستوری واژه‌هایی که قصد استفاده از آنها را داریم در اختیارمان نمی‌گذارد.

فرهنگ **bridge** و فرهنگ نشر نو هر دو فرهنگ‌های دوزبانه هستند و مثل غالب فرهنگ‌های دوزبانه مخاطبان و موارد استفاده متعدّد دارند، اما در حالیکه فرهنگ **bridge** اساساً برای رفع نیازهای زبان‌آموزان طراح شده، به‌نظر می‌رسد فرهنگ نشر نو با توجه به نیازهای مترجمان تألیف شده است. در فرهنگ‌های یک‌زبانه که برای استفاده دانشجویان زبانهای خارجی تدوین می‌شود (فرهنگ‌های آموزشی یا **learner**) معنی کلمه توضیح داده می‌شود (غالب فرهنگ‌های تک‌زبانه که مبنای فرهنگ نشر نو بوده‌اند، فرهنگ‌های آموزشی هستند). در فرهنگ نشر نو، مؤلف از ترجمه لفظ به لفظ توضیحات اجتناب کرده و کوشیده است تا حدّ امکان معانی مدخل‌ها را با آوردن معادل توضیح بدهد:

sweet.heart /swi:thɑ:t|-hɑ:t/ *n* *becoming rare* 1 person whom one loves 2 a (used when speaking to someone you love or to a member of your family) b (used informally as a friendly form of address, esp. by or to a woman)

۱. دل‌بند، دلبر، دلارم، معشوق، معشوقه، یار، جاتان ۲.
(آ) عزیزم، جاتم (ب) جاتم، عزیز جان، جیگر

re.pres.sion /rɪ'preʃn/ *n* [U] pushing unwelcome feelings into one's unconscious mind, with odd effects on behaviour

سرکوب، فرونشانی ◊ جلوگیری، منع ◊ واپس‌رانی، واپس‌زنی ◊ دافعه

fly.pa.per /flaɪ,pæpə(r)/ *n* [U] length of paper covered with a sticky or poisonous substance to trap flies in a room

نولر مگس‌کش، حشره‌کش، نولری

sweet.en.er /swi:tənə(r)/ *n* 1 substance used instead of sugar to make food or drink taste sweet 2 *infml* money, a present, etc., given in order to persuade someone

۱. ماده شیرین‌کننده ۲. رشوه، شیرینی

ref.u.gee /refjʊ'dʒi:/ *n* person forced to leave his country because of (political) danger

پناهنده، پناهجو، مهاجر، فراری، آواره

البته در فرهنگ bridge نیز گاه ترجمه لفظ به لفظ توضیح مدخل نه لازم است نه مطلوب. اما در فرهنگ bridge اصل بر ترجمه است نه ارائه معادل. تصور بر این است که زبان آموز برای یافتن معنی کلمه، نخست سراغ توضیح انگلیسی می‌رود و چون از توضیح سر در نیاورد، به ترجمه آن رجوع می‌کند و از مقابله ترجمه با توضیح، معنی کلمه را در می‌یابد.

حال این سؤال پیش می‌آید که اگر فرهنگ نشر نو با ارائه معادلهای ترجمه‌ای، اساساً برای رفع نیازهای مترجمان طراحی شده، گنجاندن توضیحات انگلیسی در فرهنگ چه ضرورتی دارد. مترجم نخست باید معنی کلمه را آنگونه که در متن به کار رفته استخراج کند و پس از استخراج معنی است که در پی یافتن معادل بر می‌آید. استخراج معنی از میان معادلهای تفکیک یافته و توضیح داده شده در فرهنگ یک‌زبانه بهتر صورت می‌گیرد تا از میان معادلهای پیشنهاد شده در فرهنگ دوزبانه. دلیل آن این است که، برخلاف آنچه فرهنگ‌های دوزبانه القا می‌کنند، کلمات یک زبان معادلهای دقیقی در زبانهای دیگر ندارند، بلکه عموم کلماتی را که در فرهنگ دوزبانه معادل یکدیگر می‌آورند، معنایشان دقیقاً بر یکدیگر منطبق نیست و لذا در موقعیت‌های یکسان نمی‌توان آنها را به جای یکدیگر به کار برد. این نکته بخصوص در مورد افعال و صفات صادق است. به مدخل‌های زیر توجه کنید:

ma.nip.u.late /mə'nɪpjuːlət/ vt 1 fml handle skilfully 2 u: 4. derog control and influence for one's own purposes

۱. ماهرانه به کار بردن، درست به کار بردن ◊ استفاده بجا کردن از ◊ با مهارت درست کردن ۲. (در جهت منافع خود) دستکاری کردن، دست بردن در، تقلب کردن در ◊ زیر نفوذ خود گرفتن ◊ اغوا کردن ◊ بهره‌برداری کردن

for.mi.da.ble /fɔ:mi'dəbl, fə'mɪd-|'fɔ:r-/ adj 1 large and frightening 2 hard to defeat or deal with

۱. ترسناک، هولناک، مهیب، زعبانگیز، خوفناک، مخوف، سهمگین ۲. سرسخت، قوی، قهار، قوی‌پنجه، شکست‌ناپذیر ◊ قوی‌هیکل، نیرومند ◊ پُر آب‌هت، با هیبت ◊ فوق‌العاده ◊ سخت، دشوار، مشکل، شاق ◊ کترشکن، سنگین

clean¹ /kli:n/ adj 1 not dirty 2 not yet used: *clean piece of paper* 3 morally pure: *clean joke* 4 smooth; regular: *clean cut* 5 come clean *infml* tell the unpleasant truth or admit one's guilt ◊ n [S] act of cleaning ◊ adv completely: *I clean forgot.* | *They got clean away.*

۱. پاک، پاکیزه، تمیز، نظیف، ظیب، طاهر ۲. نو، تازه، دست‌نخورده ۳. عقیف، مُتَزَه، مُهَدَب، بی‌آلایش، بی‌عَلّ و عَش ◊ عقیفانه، شرافتمندانه ۴. مُنَظَم، مُرَتَب، صاف، خوش-ترکیب، خوش‌قولره ۵. حرف حق زدن ◊ به‌خطای خود اذعان کردن ◊ نظافت، پاکسازی ◊ بکلی، کاملاً

از مقابله توضیحات کلمات فوق با معادلهای پیشنهادی معلوم می‌شود که این کلمات معادلهای دقیقی در زبان فارسی ندارند و با توجه به وسیع‌تر بودن حوزه معنایی آنها، در هر متن بسته به بافت کلام، معادلی متفاوت می‌طلبند. پس در صورتی که مخاطب فرهنگ دوزبانه عمدتاً مترجم باشد، باز هم گنجاندن توضیح کلمات به زبان مبدأ در داخل فرهنگ کاملاً موجه و سودمند است و مترجم را از مراجعه به فرهنگ یک‌زبانه بی‌نیاز می‌کند.

در فرهنگ دوزبانه، در مواردی که معنی کلمه یا یکی از معانی کلمه دقیقاً با یک معادل بیان

نمی‌شود، مثل مثالهای فوق، مؤلف ناگزیر از ذکر معادلهای بیشتر است و بدیهی است هرچه تعداد معادلهای پیشنهادی بیشتر باشد، کار مترجم در یافتن معادل مورد نظر آسان‌تر می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که معادلهای مختلفی که برای یک کلمه پیشنهاد می‌شود لزوماً در فارسی معادل یکدیگر نیستند چون این معادلهای از کاربرد کلمه در موقعیت‌های مختلف به دست آمده و لذا در هر موقعیت ممکن است معادلی متفاوت در فارسی پیدا کنند. برای یافتن معادلهای مختلف کلمه، مؤلف باید به پیکره زبانی دسترسی داشته باشد. در مورد فرهنگ نشر نو چنین برمی‌آید که مؤلف از فرهنگ‌های یک‌زبانه مختلف به‌عنوان پیکره زبانی استفاده کرده و معادلهای مختلف کلمات را از مثالهای این فرهنگ‌ها استخراج کرده است. مدخل زیر که به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود، نشان می‌دهد که تعدد معادلهای تا چه حد می‌تواند در انتخاب معادل مورد نظر به مترجم کمک کند:

grace /grets/ n 1 [U] beauty of movement or shape 2 [U] delay allowed as a favour: *give them a week's grace* 3 [U] prayer of thanks before or after meals 4 [U] God's favour towards people 5 a **saving grace** pleasing quality for which the person's faults are forgiven 6 **with (a) good/bad grace** willingly/unwillingly ♦ vt [(with, by)] *fml* give honour or beauty to

۱. وقار، متانت، نزاکت، ادب ۵ زیبایی، خوش‌اندلی، ظرافت، قشنگی ۲. مهلت، فرجه، فرصت ۳. (دعای) شکرانه [پیش یا بعد از غذا]، شکر ۴. لطف خداوند، رحمت ایزدی، تأیید و الثفات پروردگار، عنایت الهی، فیض الهی، موهبت الهی ۵. حُسن خطاپوش ۶. با حسن‌نیت/با اکراه، قلباً/برخلاف میل (قلبی) ♦ آراستن، مُزین کردن، زیبایی بخشیدن (به) شکوه بخشیدن به، زینت‌بخشی چیزی بودن، مُفتخر ساختن، سرافراز کردن، توفیق دادن

ج. معادلهای

یکی از عواملی که فرهنگ نشر نو را از دیگر فرهنگ‌های دوزبانه متمایز می‌کند، تنوع معادلهای عرضه‌شده در آن است. این وجه امتیاز باعث می‌شود که این فرهنگ مطلوب مترجمان باشد چون مترجم بسیاری از مواقع نه برای یافتن معنی کلمه بلکه برای یافتن معادلی دقیق‌تر به سراغ فرهنگ دوزبانه می‌رود. البته این کار ممکن است مترجم را تنبل و بدعادت کند ولی در هنگام خستگی که حضور ذهن از دست می‌رود دست‌یابی سریع به معادلهای مختلف کمک بزرگی به مترجم است. همین‌جا باید این توهم را بزدایم که فرهنگ دوزبانه فقط راه‌گشای مترجم است و مترجم تنها با درک متن و موقعیت کلام است که می‌تواند معادلی دقیق برای کلمات پیدا کند و بسیار اتفاق می‌افتد که فرهنگ دوزبانه، هر قدر هم معادلهای متنوع پیشنهاد کند، نمی‌تواند کمکی بکند. تنوع معادلهای در فرهنگ نشر نو دست کم دو نکته را نشان می‌دهد. اولاً مؤلف دانشی جامع از زبان دارد که ابزار لازم فرهنگ‌نگاری است. زبان‌دانی مؤلف هم در عرصه لغات قدیمی و رسمی و ادبی و بیشتر از آن در عرصه لغات و اصطلاحات محاوره‌ای به چشم می‌خورد. نکته دوم این که هر چند هر فرهنگ لاجرم از فرهنگ‌های پیش از خود تغذیه می‌کند، اما نوآوری مؤلف به طرح فرهنگ محدود نمی‌شود بلکه به کم‌وکیف معادلهای نیز برمی‌گردد، نکته‌ای که خیلی زود اعتماد هر مترجمی را به این فرهنگ نوحاسته جلب می‌کند.

در فرهنگ نشر نو نکات قابل طرح بسیاری وجود دارد، اما برای پرهیز از اطاله کلام، به ذکر یک نکته اکتفا می‌کنم. این نکته که نگفتن آن مشکل تراست این است که فرهنگ نشر نو به رغم طراحی زیبا و حرفه‌بینی بی نقص آن به دلیل نوع کاغذش بیش از حد حجیم شده است. از آنجا که این فرهنگ با توجه به تعداد واژگان آن (۴۵ هزار) فرهنگی مختصر به حساب می‌آید به نظر می‌رسد راه حل این مشکل این است که در چاپ دوم از کاغذ نازکتر استفاده شود، نه اینکه احیاناً آن را در دو جلد چاپ کنند.

در خاتمه، فرهنگ دوزبانه نشر نو برای زبان‌آموزان و به خصوص مترجمان فرهنگی بسیار سودمند و کارگشاست. انتشار این فرهنگ را به مؤلف زحمتکش آن تبریک می‌گویم و امیدوارم ایشان با تجدید نظر مداوم در آن، آن را کاملتر و پربارتر کنند.

REFERENCES

- Baker, Mona and Robert Kaplan, 1994. Translated! A new breed of bilingual dictionaries, *Babel* 40:1 1-11.